

The Shanghai Cooperation Organization in the Look East Policy of the Islamic Republic of Iran

Amir Hossein Bakhshish Ardestani PhD Student, Department of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: amirhoosein@gmail.com

Nozar Shafiee* Corresponding Author, Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Visiting Professor, Department of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: shafiee2@hotmail.com

Hossein Daheshiar Professor, Department of International Relations, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. Visiting Professor, Department of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: h_daheshiar@yahoo.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Islamic Republic of
Iran,
Shanghai Cooperation
Organization,
Look East Policy

ABSTRACT

Shanghai Cooperation Organization, as one of the emerging security-oriented mechanisms, has found a strategic position in the security agenda of regional and global powers. The official accession of the Islamic Republic of Iran to this organization, within the framework of the transformation in the international order and in line with the macro-policy of "Look East", can provide an opportunity to redefine the conceptual and functional nature of Iran's national security in relation to regional multilateral arrangements. The present study, using a descriptive-analytical method and relying on the structuralist approach in international relations theories, examines the dimensions of the impact of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization on various components of national security - including hard security, soft security, and human security. The main question is: What effect does Iran's membership in this organization have on strengthening national security? The findings of the study show that this membership has the potential to enhance strategic depth, counter transboundary threats, reduce Western hegemonic pressures, and shape a regional security order based on multilateralism. However, challenges such as the organization's structural limitations, geopolitical competition among key members, and ambiguity in enforcement mechanisms pose serious obstacles to Iran's full exploitation of the organization's potential. Finally, analyzing Iran's position in the SCO requires a deeper understanding of the two-way linkages between foreign policy and national security in the context of the transitional international order.

Cite this Article: Bakhshaish Ardestani, A. M. , Shafiee, N. and Daheshiar, H. (2024). The Shanghai Cooperation Organization in the Look East Policy of the Islamic Republic of Iran. *International Relations Researches*, 14(2), 313-337. doi: 10.22034/irr.2025.536871.2735



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2025.536871.2735



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سازمان همکاری شانگهای در سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران

امیر حسین بخشایش اردستانی دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
رایانامه: amirhoosein@gmail.com

نوذر شفیعی* نویسنده مسئول، دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. استاد مدعو گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: shafiee2@hotmail.com
حسین دهشیار استاد گروه روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران. ایران. استاد مدعو گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: h_daheshiyar@yahoo.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، سازمان همکاری شانگهای، سیاست نگاه به شرق تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۳۱	سازمان همکاری شانگهای به مثابه یکی از سازوکارهای نوظهور امنیت محور، جایگاهی راهبردی در دستور کار امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی یافته است. الحاق رسمی جمهوری اسلامی ایران به این سازمان، در چارچوب تحول در نظم بین‌المللی و در امتداد سیاست کلان «نگاه به شرق»، می‌تواند فرصتی برای بازتعریف مفهومی و کارکردی امنیت ملی ایران در پیوند با ترتیبات چندجانبه منطقه‌ای فراهم آورد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر رویکرد سازه‌نگاری در نظریه‌های روابط بین‌الملل، به بررسی ابعاد اثرگذاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای بر مؤلفه‌های مختلف امنیت ملی - از جمله امنیت سخت، امنیت نرم و امنیت انسانی - می‌پردازد. پرسش اصلی این است که عضویت ایران در این سازمان چه تأثیری بر تقویت امنیت ملی دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این عضویت، توان بالقوه‌ای برای تقویت عمق استراتژیک، مقابله با تهدیدات فرامرزی، کاهش فشارهای هژمونیک غرب، و شکل‌دهی به نظم امنیتی منطقه‌ای بر پایه چندجانبه‌گرایی دارد. با این حال، وجود چالش‌هایی نظیر محدودیت‌های ساختاری سازمان، رقابت ژئوپلیتیکی میان اعضای اصلی، و ابهام در مکانیسم‌های اجرایی، موانعی جدی در مسیر بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های این سازمان برای ایران محسوب می‌شود. در نهایت، تحلیل جایگاه ایران در سازمان همکاری شانگهای مستلزم درکی ژرف‌تر از پیوندهای دوسویه سیاست خارجی و امنیت ملی در بستر نظم بین‌المللی در حال گذار است.

استناد به این مقاله: بخشایش اردستانی، امیرحسین و شفیعی، نوذر و دهشیار، حسین. (۱۴۰۳). سازمان همکاری شانگهای در سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۲)، ۳۱۳-۳۳۷. doi: 10.22034/irr.2025.536871.2735

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





در دهه‌های اخیر، نظام بین‌الملل با دگرگونی‌های عمیق، سریع و چندوجهی در ساختارها، بازیگران و تهدیدات امنیتی مواجه شده است. این تحولات نه تنها معادلات قدرت را در سطح جهانی تغییر داده‌اند، بلکه موجب بازاندیشی در بنیان‌های نظری امنیت، مناسبات دولت‌ها و شیوه‌های تأمین منافع ملی شده‌اند. دیگر نمی‌توان امنیت را صرفاً در قالب مرزهای جغرافیایی یا توان نظامی تعریف کرد. ظهور تهدیدات نو ظهور، ماهیت سنتی امنیت را به چالش کشیده و کشورها را وادار کرده است تا در جستجوی پاسخ‌هایی جدید و انعطاف‌پذیرتر به این چالش‌ها، به سمت نهادهای منطقه‌ای و ترتیبات چندجانبه حرکت کنند. تهدیداتی نظیر تروریسم فراملی، افراط‌گرایی ایدئولوژیک، ناامنی سایبری، قاچاق انسان و مواد مخدر، بحران‌های زیست‌محیطی، کمبود منابع آبی و غذایی، و بی‌ثباتی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی، مرزهای کلاسیک تحلیل امنیت را درمی‌نوردند و ضرورت همکاری فراتر از مرزهای ملی را گوشزد می‌کنند. از همین‌رو، سازوکارهای امنیتی سنتی که عمدتاً متکی بر توازن قوا یا بازدارندگی بودند، جای خود را به سازوکارهای ترکیبی داده‌اند که در آن‌ها امنیت جمعی، نهادگرایی منطقه‌ای و انسجام سیاسی میان بازیگران نقش برجسته‌تری ایفا می‌کند. در این چارچوب، سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای امنیتی و سیاسی در منطقه اوراسیا، جایگاه ویژه‌ای در نظم نو ظهور جهانی یافته است. این سازمان که در آغاز با هدف مقابله با تهدیدات مشترک همچون تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی تأسیس شد، به‌مرور دامنه فعالیت‌های خود را گسترش داد و اکنون حوزه‌هایی چون همکاری‌های اقتصادی، انرژی، حمل‌ونقل، زیرساخت، امنیت انسانی و تعاملات فناورانه را نیز در بر گرفته است. سازمان همکاری شانگهای از این نظر متفاوت از برخی نهادهای منطقه‌ای دیگر است که صرفاً یک بُعد خاص امنیت یا اقتصاد را دنبال می‌کنند، زیرا این سازمان کوشیده است با ایجاد بستری برای گفت‌وگوی چندجانبه میان قدرت‌های بزرگ و میانه آسیایی، نوعی نظم منطقه‌ای چندقطبی و غیرهژمونیک را تقویت کند. پیوستن رسمی جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای در چنین بستری، واجد اهمیت راهبردی است. این عضویت، که در امتداد راهبرد کلان «نگاه به شرق» قرار دارد، واکنشی معنادار به انزوای بین‌المللی ناشی از تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی قدرت‌های غربی محسوب می‌شود. ایران با بهره‌گیری از فرصت عضویت در این سازمان، می‌کوشد ضمن متنوع‌سازی روابط خارجی خود، جایگاهی فعال‌تر در ترتیبات منطقه‌ای ایفا کرده و از مزایای ژئوپلیتیکی خود در اتصال آسیای مرکزی، جنوب آسیا، خاورمیانه و خلیج فارس بهره‌برداری کند. از سوی دیگر، این عضویت ظرفیت‌هایی



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



(۲۰۱۶) انگیزه‌های هند برای مشارکت فعال در سازمان را ناشی از تمایل این کشور به مقابله با تروریسم، تضمین امنیت انرژی و افزایش نفوذ در آسیای مرکزی ارزیابی کرده است. در سطح نظری نیز، لن (۲۰۱۲) با بهره‌گیری از رویکردهای لیبرالیستی، رئالیستی و سازه‌انگارانه، کوشیده است تا ابعاد چندگانه همکاری‌های امنیتی در سازمان همکاری شانگهای را تبیین کند. به باور او، شکل‌گیری همکاری در چنین ساختارهایی تنها به منافع مادی محدود نیست، بلکه هویت‌ها، گفتمان‌ها و روابط اجتماعی میان دولت‌ها نیز نقشی محوری در آن ایفا می‌کنند. با وجود غنای نسبی این مطالعات، کمتر پژوهشی به‌طور خاص با تمرکز نظری بر سازه‌انگاری، به واکاوی رابطه میان عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و تقویت مؤلفه‌های گوناگون امنیت ملی پرداخته است. پژوهش حاضر درصدد است این خلأ را پر کند و با نگاهی ترکیبی به ابعاد هویتی، ژئوپلیتیکی، نهادی و گفتمانی این سازمان، پاسخی تحلیلی به این پرسش ارائه دهد که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای تا چه اندازه می‌تواند به بازتعریف و ارتقاء امنیت ملی در بستر یک نظم منطقه‌ای چندقطبی کمک کند.

۲. چارچوب نظری: سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل

سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل یکی از رویکردهای مهم و تأثیرگذار است که بر تفاوت‌های بنیادین میان واقعیت‌های مادی و هنجاری تأکید دارد. در این رویکرد، ساختارهای بین‌المللی نه صرفاً از توزیع قدرت مادی بلکه از ایده‌ها، هویت‌ها، هنجارها و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند. این دیدگاه تأکیدی جدی بر جنبه‌های اجتماعی و معناشناختی سیاست بین‌الملل دارد و به همین دلیل در تحلیل سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای و نقش ایران در آن بسیار کاربردی است. الکساندر ونت به عنوان یکی از نظریه‌پردازان محوری مکتب سازه‌انگاری، در کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل» (۱۹۹۹) ساختار نظام بین‌الملل را برآیند تعاملات اجتماعی و هنجارهای مشترک میان بازیگران می‌داند، نه صرفاً توزیع منابع مادی (Wendt, 1999: 75-80) او معتقد است هویت‌ها و منافع بازیگران اجتماعی ساخته و بازتولید می‌شوند و از پیش تعیین شده نیستند. این امر توضیح می‌دهد که دو دولت با قدرت‌های مادی برابر می‌توانند در رفتار و تعریف تهدیدات بسیار متفاوت عمل کنند. ونت مفهوم «آناشرشی همان است که دولت‌ها می‌سازند» را مطرح می‌کند و سه نوع فرهنگ آناشرشی را تعریف می‌کند: فرهنگ هابزی (دشمنی مطلق)، فرهنگ لاک‌گرا (رقابت با قواعد) و فرهنگ کانتی (همکاری و اعتماد) (Wendt, 1999: 139-145). عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در قالب تحولی از فرهنگ‌های رقابتی به سمت همکاری تفسیر کرد. همچنین، ونت نهادها را نه صرفاً ساختارهای بیرونی بلکه



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



هویت‌ها می‌شود که در تحلیل رفتار ایران در سازمان همکاری شانگهای قابل کاربرد است (Finnemore, 1996: 22-50). اونور نیز به اهمیت نهادها به عنوان بسترهای اجتماعی‌سازی و انتقال هنجارها اشاره می‌کند. او معتقد است تعامل مداوم بازیگران درون نهادهای منطقه‌ای موجب درونی‌سازی هنجارهای جدید و همگرایی رفتاری می‌شود (Onuf, 1989: 72-90). از این منظر، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند عاملی کلیدی در فرآیند اجتماعی‌سازی هنجارهای امنیتی ایران و دیگر اعضا باشد چارچوب نظری سازه‌انگاری با تأکید بر دیدگاه‌های الکساندر ونت، لودویگ کاتزنشتاین، مارثا فینمور و نیکلاس اونور، توانایی ارائه درک عمیق و گسترده‌ای از نقش عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای در سیاست «نگاه به شرق» را دارد. این چارچوب نشان می‌دهد که هویت‌ها و منافع بازیگران در بستر تعاملات اجتماعی ساخته و بازتولید می‌شوند و از پیش تعیین‌شده نیستند، همچنین فرهنگ آنارشی در نظام بین‌الملل متنوع و قابل تغییر است و می‌تواند از حالت رقابتی به همکاری تغییر یابد. هنجارها و گفتمان‌ها به عنوان قواعد رفتاری و هویتی نقش حیاتی در شکل‌دهی سیاست‌ها دارند و نهادهای منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای، بسترهای مهمی برای اجتماعی‌سازی و درونی‌سازی این هنجارها محسوب می‌شوند. افزون بر این، نظم بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای چندگانه و متنوع بوده و نمی‌توان یک مدل واحد را به همه مناطق تعمیم داد، و در نهایت، تحقق تغییرات هنجاری و هویتی بدون پشتیبانی ظرفیت‌های مادی، اقتصادی و فناورانه ممکن نیست. بنابراین، این چارچوب نظری امکان تحلیل دقیق و همه‌جانبه‌ای از بازتعریف امنیت ملی ایران در چارچوب چندجانبه‌گرایی و سازمان همکاری شانگهای فراهم می‌آورد و تأکید می‌کند که سیاست خارجی و امنیت ملی ایران از خلال هویت‌ها، هنجارها و تعاملات اجتماعی پیوسته بازتولید می‌شوند.

۳. سازمان همکاری شانگهای در بستر نظم بین‌المللی

مهمترین موضوعی که در شناخت این سازمان، اهداف و اصول آن و نیز گمانه‌زنی پیرامون آینده آن باید مورد توجه قرار گیرد، خروج از ذهنیت جنگ سردی است. این ذهنیت تمایل شدیدی به تحلیل روابط کشورها، بر مبنای تقابل و تضاد دارد. در چارچوب این ذهنیت، هنگامی که کشورها به همکاری‌های نزدیک مانند تشکیل سازمان‌ها یا پی‌ریزی روابط استراتژیک روی می‌آورند، حتماً در پی تشکیل قطب، بلوک یا اتحادیه نظامی علیه تعداد دیگری از کشورها هستند. با وجود گذشت سال‌ها از پایان جنگ سرد، دگرگونی نظام بین‌الملل و به تبع آن ایجاد تغییرات عمده در امنیت بین‌المللی، هنوز برای تحلیل نظم بین‌المللی و روندها و فرآیندهای آن به الگوی گذشته توسل می‌جویند. دوران این



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ایران با نگاه به سازمان همکاری شانگهای از زاویه نهادهی سیاسی در جهت مدیریت بهتر منافع و حل منازعات و نیز استفاده از زمینه‌های بالقوه اقتصادی موجود آن، می‌تواند این سازمان را به ابزاری ثبات‌زا در جهت ایجاد ثبات در محیط امنیتی خود تبدیل نماید.

۴. فشار از سمت غرب و گرایش به شرق جمهوری اسلامی ایران

هدف و انگیزه آمریکا در مبارزه با تروریسم، مقابله با کشورهای محور شرارت و سرکش جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین مبارزه با اسلام‌گرایی سیاسی و حفظ امنیت اسرائیل، سبب گشته امکان اقدامات نظامی آمریکا علیه ایران امری محتمل به نظر رسد. این مواجهه و رویارویی از طریق فرآیند امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا شروع گشته است؛ (امنیتی کردن فرآیندی است که در آن بازیگر امنیتی ساز موضوعی را به گونه‌ای تعریف می‌کند که تهدیدات وجودی را در بر گیرد و به وسیله راهکارها، ابزارها و رویه‌های رایج سیاسی نمی‌توان آن را مدیریت و مرتفع ساخت). از این رو، متهم سازی جمهوری اسلامی به حمایت از تروریسم، ایجاد و حمایت از نیروهای نیابتی در منطقه، تولیدسلاح‌های هسته‌ای، اخلال در روند صلح خاورمیانه و نقض حقوق بشر قسمتی از پروسه‌ی امنیتی ساختن کشور ایران از سوی آمریکا به حساب می‌آید (باربر، ۱۳۸۲: ۶۴).

باید اذعان داشت که بخش اعظم اختلافات بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران چالش ایدئولوژیک می‌باشد که برخاسته از ایدئولوژی مشروعیت بخش به حکومت و نظام سیاسی آن‌ها یعنی لیبرالیسم سیاسی و اسلام سیاسی است. ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران نه تنها در سطح داخلی منجر به تغییرات عظیمی گردید، بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز تأثیرات شگرفی برای نظام بین‌الملل به همراه داشت. همانند هر انقلاب ایدئولوژیک دیگری، انقلاب اسلامی خواهان تغییر نظم سستی و پایه‌ریزی نظامی جدید گردید. جهت‌گیری‌های انقلابی در سیاست‌های داخلی، از جمله تغییر کامل سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داخلی و تلاش در جهت غرب‌زدایی و جهت‌گیری‌های جدید در حوزه سیاست خارجی از جمله نظریه صدور انقلاب، سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی که عمده‌تأ مبتنی بر تغییر وضع موجود و ارائه مدل جدیدی بود، نوع و ماهیت روابط ایران و آمریکا را تغییر داد. در نتیجه، ایران از مهمترین متحد غرب و آمریکا در منطقه، تبدیل به دشمن درجه یک غرب و آمریکا گردید (برزگر، ۱۳۸۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مطرح شدن اسلام سیاسی، ایالات متحده آمریکا به عنوان سردمدار لیبرالیسم سعی در تضعیف و از بین بردن اسلام سیاسی که مصالح و منافع ایدئولوژی لیبرالیسم را تهدید



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دومین پیامد سیاسی؛ چالش، تضعیف و تهدید ایدئولوژی سیاسی مشروعیت بخش به نظام جمهوری اسلامی یعنی اسلام سیاسی است. اسلام به معنای مجموعه ای از اندیشه ها و ایده ها راجع به نظم و کنش سیاسی - اجتماعی و چگونگی اجرای آن ها در عرصه زندگی اجتماعی است و سپهر عمومی به هویت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران شکل داده و مشروعیت آن را تضمین می کند. مفروضه های سیاسی اسلام در زمینه رفتار و نظام سیاسی - اجتماعی از نظام فکری و سیاسی لیبرالیسم متفاوت و متمایزند و با یکدیگر همخوانی ندارند. علاوه بر این، یکی از مهم ترین اهداف امریکا در منطقه، مبارزه با اسلام گرایی است.

سومین پیامد بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می تواند تهدید وجودی اصل نظام سیاسی از طریق ثبات زدایی، نامشروع سازی و ناکارآمد ساختن آن باشد. چراکه با از بین رفتن کارآمدی مشروعیت نهادها و ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی ایران به تدریج از مشروعیت و مقبولیت آن نیز کاسته می شود. مقدمات لازم برای جایگزین کردن آن با نظام سیاسی لیبرال دموکراسی مهیا می شود. به نظر امریکا، نوک پیکان اسلام گرایی سیاسی معارض با این کشور و الهام بخش آن در منطقه، جمهوری اسلامی ایران است که با دگرگونی، تغییر یا فروپاشی آن تهدیدات منبعث از آن نیز از بین خواهند رفت. در این نبرد، هدف تضعیف و تخریب ایدئولوژی اسلامی از طریق ناکارآمد نشان دادن آن در عرصه حیات سیاسی - اقتصادی و نظام سیاسی برآمده از آن یعنی جمهوری اسلامی ایران است. پس با شکست و ناکامی اسلام سیاسی، زمینه برای جایگزینی آن با ایدئولوژی لیبرالیسم سیاسی - اقتصادی فراهم می شود.

از دیدگاه آمریکا، برنامه هسته ای ایران یک تهدید جدی برای صلح و امنیت بین المللی است و لذا تمامی تلاش خود را چه از طریق فشارهای بین المللی و چه از طریق تهدیدات نظامی انجام می دهد تا ایران را از پیگیری برنامه صلح آمیز هسته ای خود منصرف کند. استدلال آمریکا این است که در درجه اول، ایران هماهنگ با سیاست های نظام بین الملل نیست و لذا افزایش قدرت ایران می تواند تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی باشد. در درجه دوم، یک ایران هسته ای، ماشه رقابت های هسته ای در سطح منطقه را می کشد و بدین ترتیب کل منطقه وارد یک رقابت تسلیحاتی می شود که به نفع نظام امنیت منطقه ای نیست. در درجه سوم، یک ایران هسته ای تهدیدی برای اسرائیل به عنوان متحد استراتژیک آمریکا به حساب می آید و تعادل قدرت را در سطح منطقه بر هم می ریزد (برزگر، ۱۳۸۵).



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



در افزایش فرصت ها و کاهش تهدیدها در سطح ژئوپلیتیک مؤثر خواهد بود . همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی ایران ، آن را برای حلقه واسط شدن بین آسیای مرکزی و اروپا کاملاً مساعد کرده است . هر چارچوب منطقه ای که بتواند این امر را تسهیل کند ، می تواند در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران تلقی گردد . سازمان مذکور در این چارچوب هم می تواند مورد توجه قرار گیرد . با فروپاشی شوروی ، اهمیت ژئواکونومیک ایران (انرژی ، حمل و نقل) به ویژه در جهت تسریع در ادغام تعدادی از کشورهای منطقه آسیای مرکزی در نظام سرمایه داری جهانی افزوده شده است . جمهوری اسلامی ایران قادر است برای اقتصاد آسیای مرکزی فرصت های مطلوبی در خصوص حمل و نقل کالا و انرژی فراهم آورد . برای عینی کردن فواید مترتب بر این اهمیت ، الگوهای همکاری های دسته جمعی و یا الگوهای مشابه می تواند مورد توجه قرار گیرد . ظرفیت های ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران با دور نمای اقتصادی سازمان همکاری شانگهای (ایجاد یک منطقه آزاد تجاری) هم سو می باشد .

۶. سیاست ج.ا.ایران در بستر سازمان همکاری شانگهای

نظام تک قطبی در حال ظهور به رهبری آمریکا، دولت ها را مجبور می سازد به منظور تضمین امنیت خود، به ناچار دست به دامن تک قطب شوند. به عبارت دیگر، نظام بین الملل تک قطبی (یا چند قطبی و معطوف به تک قطبی)، موجب می شود که هیچ کشوری جز تک قطب نتواند امنیت کشورهای منطقه ای مانند خاورمیانه را تضمین نماید (حاجی یوسفی، ۱۳۹۸: ۱۰۲۰). همین امر باعث شد که دولت ها برای کسب امنیت خود تلاش بیشتری نمایند. پس از فروپاشی شوروی و افول رویکردهای ایدئولوژیک در جامعه جهانی و به خصوص اروپا، ژئوپلیتیک گرایی و منطقه گرایی جایگاه واقعی خود را در نظام بین الملل بازیافت. کشورها از زیر چترانحصاری ایدئولوژی های قدرت های بزرگ بیرون آمده و هر یک خواستار برنامه ریزی فعالیت منطبق با آرمان ها، اهداف و منافع ملی و منطقه ای خود شدند و برای تامین و گسترش منافع خود در جمیع ابعاد، باید با ریزی و عمق نگر و با در نظر گرفتن اشتراکات و افتراقات امنیتی، فرهنگی، مذهبی سیاسی و اقتصادی به سوی همگرایی منطقه ای به پیش روند. بدین سان، تحولات کنونی بر اهمیت همکاری کشورها برای مقابله با تهدیدات مختلف که بسیاری از آنها ماهیتی بین المللی یافته اند، افزوده است. یکی از اصول مهم راهبردی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست نه شرقی نه غربی است. بنابراین بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران تعهدات نظامی به ابرقدرت ها را ملغی نمود. به نحوی که در ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ از پیمان ستو خارج شد و متعاقباً این پیمان مهم امنیتی - نظامی عملاً متلاشی شد. از سوی دیگر، اصول ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ با



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



باشد. با انتخاب آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران و تشکیل دولت یازدهم، تغییرات مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاصل شد. در این چارچوب، دولت یازدهم با هدف گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال مشارکت در سازمان همکاری شانگهای و پیگیری سیاست امنیت و رفاه اقتصادی مشترک بود. سیاست خارجی دولت یازدهم، سیاست «تعامل سازنده» و ایجاد روابطی متوازن با همه کشورها و نه پیوند با یک یا چند کشور خاص بود. در چنین چارچوبی و بر مبنای منطق چندجانبه‌گرایی، دولت یازدهم تلاش کرد تا اهداف عمده سیاست خارجی ایران یعنی صلح‌گرایی، موازنه‌گرایی و تعامل‌گرایی در عرصه جهانی را پیگیری کند. ج.ا.ایران با توجه به ظرفیت سازمان شانگهای یعنی دارا بودن نیمی از جمعیت و یک‌چهارم سرزمین‌های جهان و منابع عظیم نفتی و معدنی، در چارچوب اهداف سیاست خارجی خود می‌تواند منافع اقتصادی و امنیتی گوناگونی را در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری کند. اهداف مورد نظر سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یک مجموعه قدرتمند شرقی در کنار بریکس، در مسیر پایان جهان تک‌قطبی و ضرورت روی آوردن به رویکردهای جدید در حل و فصل مسائل منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. روسیه، چین و ایران سه کشور محوری هستند که ظرفیت‌های متفاوت شامل جاده ابریشم، حوزه اوراسیا و خاورمیانه را به هم پیوند می‌دهند. اما نکته حائز اهمیت آن است که در سطح سیاست خارجی و امنیتی این سه کشور عضو سازمان همکاری شانگهای همان فیل در تاریکی در شعر مولانا است که هر یک از ناظرین، مطلوب خود را در آن تجسم می‌نماید. در نتیجه ضمن وجود اشتراکات، دیدگاه هر یک از سه کشور و هم‌چنین سایر اعضا در مجموع، متنوع و موزاییک‌گونه است (آدمی، بزرگر، ۱۳۸۹: ۱۰).

موضوع الحاق دائمی ایران به سازمان شانگهای، با آغاز به کار دولت یازدهم و در سفر «علی‌اکبر ولایتی» به روسیه و دیدار با مقامات عالی کرم‌لین پیگیری شد. "ولادیمیر پوتین" رئیس‌جمهور روسیه، از این الحاق استقبال کرد و اگر موضع وزیر خارجه روسیه را نیز مبنای تحلیل قرار دهیم، باید بگوییم این الحاق قطعاً به نفع روس‌ها نیز خواهد بود. لاوروف گفته بود روسیه از الحاق ایران به شانگهای استقبال می‌کند و معتقد است این الحاق به توازن قدرت سیاسی و اقتصادی در آسیا در وضعیتی که ایالات متحده تلاش زیادی برای حضور در آسیا و خاورمیانه دارند، کمک می‌کند. از سوی دیگر، عضو شاخص دیگر سازمان شانگهای، چین است. مقامات پکن هم موضعی مشابه روس‌ها گرفته‌اند و الحاق ایران به سازمان شانگهای را به سود ایران و کشورهای عضو این سازمان محسوب کرده‌اند. بدین ترتیب، در نهایت در زمان دولت دوازدهم به ریاست جمهوری آقای ابراهیم رئیسی، ایران با حمایت دو عضو برجسته سازمان



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



به موضوع تحریم‌ها و تهدیدهای ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود.

۷. نقش راهبردی امنیتی آمریکا در گرایش ایران به سازمان همکاری شانگهای

مسئله اصلی دیگر این است که نقش راهبردی امنیتی آمریکا در گرایش ایران به این سازمان چه بوده است؟ یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در گرایش ایران به سمت سازمان همکاری شانگهای راهبرد سیاسی-امنیتی آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون در خاورمیانه بوده است که ایران را در یک وضعیت معمای امنیت قرار می‌دهد. گیدن رز در سال ۱۹۹۸ طی مقاله‌ای در نشریه بررسی سیاست‌های جهان عناصر و مفروضه‌هایی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی را در هم می‌آمیزد؛ به گونه‌ای که هر دو دسته از متغیرهای سیستمیک و سطح واحد را ترکیب می‌کند تا سیاست خارجی کشورها را مشخص و معین را تحلیل نماید. از طرفی همچون نو واقع‌گرایی، اهمیت آنارشی و تاثیر آن را بر رفتار دولت‌ها می‌پذیرد و با این مفروض آغاز می‌کند که نظام بین‌الملل آنارشیک، گزینه‌ها و انتخاب‌های سیاست خارجی آنها را محدود می‌سازد، یعنی اولویت و تقدم در عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی، با متغیرهای مستقل سیستمیک است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

جک اسنایدر، استفان والت و استفن ون اورا، براین باورند که دولت‌ها از طریق حفظ موقعیت خویش در درون نظام به امنیت نائل می‌شوند. بنابراین آنها به دنبال دستیابی به میزان مناسبی از قدرت در توازن با سایر دولت‌ها هستند (قوام، ۱۴۰۰: ۳۱۱). این نگاه، نگاهی کاملاً امنیتی است و در صدد پاسخ و واکنش به معمای امنیتی هستند؛ به عبارتی برای ایران نیز دغدغه امنیت در نظام آنارشیک بین‌المللی اساسی‌ترین مسئله است و با مفروض دانستن خوش‌خیمی آنارشی بین‌المللی امنیت کالاهای نایابی نیست و فراوان است و دولت‌ها می‌توانند در طول زمان به این تجربه دست یابند. آنها باید در مقابل تهدیدات خارجی به گونه‌ای دست به موازنه می‌زنند که تهدیدگر را باز دارند و نیاز به تنازع واقعی را برطرف نمایند. البته نکته قابل ذکر این است که آنارشی بین‌المللی را یکسره هابزی و یا خوش‌خیم نیست و نمی‌توان آن را به آسانی فهم کرد و این دولت‌ها هستند که در هر وضعیت و شرایط خاصی که قرار دارند، به بررسی و ارزیابی درجه تهدید یا عدم آن می‌پردازند (یوان، ۲۰۲۱).

دولت‌ها در مقابل منبع اصلی خطر یا به سمت موازنه روی می‌آورند و یا اینکه سیاست همراهی با دولتی که تهدید اصلی را اعمال می‌کند در پیش می‌گیرند؛ بنابراین، این دو فرضیه، دو تصویر کاملاً متفاوت را ترسیم می‌کند: ۱- سیاستی که به دنبال تبعیت و پیروی از منشا تهدید است. ۲- سیاست توازن با منبع تهدید. در ساده‌ترین حالت، خط مشی توازن، امنیت بیشتری را برای دولت‌ها ایجاد می‌



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



امنیتی ای بر مبنای منطق ثبات و بازدارندگی در مقابل روسیه و چین به اجرا گذاشته شود. اما پس از بازگشت طالبان، شرایط عراق و روسیه و جنگ اکراین، ابهاماتی در راهبرد امنیتی آمریکا ایجاد شد و این خلاء راهبردی، آمریکا را به جستجوی هستی‌شناسی جدیدی در عرصه سیاست بین‌المللی وادار ساخت. به دلیل تغییر و عدم ثبات در مناسبات قدرت، موازنه و عدم موازنه میان قدرت‌ها اغلب به طور نامحسوسی تغییر می‌یابد و تعریف جدیدی از امنیت مطرح می‌شود (شولتز، گادسون ۱۳۹۸). اما حوادث اخیر به مثابه یک خروج از ابهام راهبردی مذکور بود که در واقع فصل جدیدی را در سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات متحده گشود. این فضا جدید به آمریکا فرصت داد تا رو کرد بنیادین خویش را به اجرا گذارد. در واقع امکان ارائه تعریف نوین از منافع ملی را برای دولتمردان آمریکا فراهم نمود. بنابراین آمریکا در این مقطع، سیاست خارجی خود را در قالب نوعی راهبرد مداخله‌گرایی و سیاست مبتنی بر یکجانبه‌گرایی بازبینی و تثبیت نمود. در واقع این حوادث بیشترین مطلوبیت استراتژیک را برای آمریکا فراهم آورد تا جایی که به بهانه مقابله با ناامنی حاصل از فعالیت‌های ایران و نیروهای نیابتی در چارچوب محور جدید شرارت (محور شرارت ۲)، به نوعی زمینه برای رفتار استیلاجویانه و توفق‌طلبی آمریکا در سطح جهانی ایجاد نماید. دقیقاً شبیه عملکرد آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ درحمله به افغانستان و سرنگونی طالبان و دولت‌سازی در این کشور در قالب استراتژی‌های یکجانبه‌گرایی آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی می‌باشد. افغانستان در همسایگی با ایران و آسیای مرکزی، کشوری ژئواستراتژیک تلقی می‌شود؛ بنابراین هرگونه تحول در این کشور می‌تواند به مثابه یک فرصت یا تهدید برای امنیت جمهوری اسلامی ایران باشد (جعفری و بک‌ویدی ورزقانی، ۱۴۰۰: ۲۳۸).

این مشی آمریکا خود نشان از اهمیت جغرافیایی موسوم به قبرستان امپراتوری‌ها در نزد تصمیم‌گیرندگان آن سوی آتلانتیک دارد. در مبارزه با تروریسم، تیم اجرایی آمریکا باور دارند که افغانستان نقش شاه‌کلید را بازی می‌کند. همین امر این کشور را به گرانیگاه سیاست خارجی دولت تبدیل نمود. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ پیامدهایی را به همراه داشت که می‌تواند به عنوان شاهد مثالی دیگر در وجود تهدیدی جدید علیه امنیت ملی ایران در نظر گرفته شود. حضور نیروهای آمریکایی در منطقه با توجه به روابط نامناسب و خصومت آمیز ایران و آمریکا در طول چند دهه گذشته و به وجود آمدن ناامنی در کشور همسایه با ظهور گروه‌های تروریستی و افراطی، ایران را در وضعیت معمای امنیت قرار داده است و از سوی دیگر، روند تحولات عراق و نتایج حاصل از عملیات آمریکا، به گونه‌ای پیش‌رفته است که باعث تبدیل شدن ایران به بازیگر خارجی اصلی رقیب آمریکا در عراق شده است. اساساً حفظ



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



را تقریباً منحصر به خود کرده است و حدود ۸۰ درصد از کل مخارج تحقیقاتی نظامی جهان در این کشور هزینه می‌شود. بودجه نظامی آمریکا از مجموع بودجه نظامی کشورهای ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، روسیه و چین بیشتر است و این امر آمریکا را از نظر جهانی در موقعیت و جایگاهی قرار می‌دهد که هژمونی اش اجتناب ناپذیر می‌شود (لوکین، ۲۰۱۵: ۳۶). افزایش تاثیرگذاری آمریکا با توجه به گسترش نقش این کشور در حیطه های سیاسی، نظامی و اقتصادی، نماد و تجلی هژمونی آمریکا و همسانی ساختار نظام بین الملل با الزامات و احتیاجات این کشور است. یکی از شاخص های سخت افزارگرایی در راهبرد امنیتی و دفاعی آمریکا، احداث و استقرار پایگاه های نظامی در نقاط مختلف جهان است که منجر به افزایش هزینه های نظامی این دولت شده است؛ به گونه ای که بخش عمده بودجه نظامی آمریکا صرف صدها پایگاه نظامی این کشور می شود که در خارج از آمریکا قرار دارند. پنتاگون معتقد است که آمریکا در دهه ۱۹۹۰ می توانست همزمان در دو نقطه متفاوت جهان بجنگد. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر باید توانایی جنگیدن همزمان در چهار نقطه جهان را داشته باشد (لوکین، ۲۰۱۵: ۴۱). شایان ذکر است از اوایل دهه ۱۹۸۰، روند ساخت و توسعه توسعه پایگاه های نظامی آمریکا در خلیج فارس آغاز و پس از جنگ اول و دوم خلیج فارس تشکیل شد؛ اما به دلیل تحولات در راهبرد امنیتی آمریکا پس از ۲۰۰۱، استقرار پایگاه های نظامی آمریکا در پیرامون مرزهای ایران معمای امنیت را تشدید کرده است.

نتیجه گیری

مسائل امنیتی در تمایل ج.ا.ایران به عضویت سازمان همکاری شانگهای از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. به عبارتی با اینکه هر یک از کشورهای عضو با انگیزه ای خاص وارد این سازمان شدند، اما عامل همگرایی این کشورها را می توان انگیزه های امنیتی بر شمرده (شفیعی و فرجی، ۱۳۸۷: ۱۶). چین و روسیه به عنوان دو کانون عمده قدرت در این سازمان با اتخاذ استراتژی همگرایی از دهه ۱۹۹۰، تلاش مشترکی را برای تعدیل قدرت هژمونیک ایالات متحده و جلوگیری از تک قطبی شدن نظام بین الملل، آغاز کردند. این دو قدرت در صدد برآمدن با تقویت این سازمان، خلا قدرتی را که پس از فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی ایجاد شده بود و آمریکا تلاش می کرد آن را پر کند، با حضور قدرتمند خود جایگزین کنند. با وجود آنکه در بیانیه تاسیس سازمان همکاری شانگهای بر این نکته تصریح شده است که سازمان مذکور اتحادیه ای علیه کشور یا منطقه دیگری نیست، اما دلایل آشکاری وجود دارد که نشان می دهد که این سازمان به طور روز افزونی در تقابل با سیاست های یکجانبه گرای آمریکا و گسترش



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مسکو و تهران مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. حلقه حمایت مسکو و پکن از تهران نیز می‌تواند با حمایت روسیه و چین از برنامه هسته‌ای ایران تکمیل شود و امکان چانه زنی بیشتر ایران را در مقابل آمریکا فراهم کند. علاوه بر روسیه، چین نیز به عنوان بنیانگذار این سازمان، نگاه ویژه‌ای از لحاظ جغرافیایی - اقتصادی و جغرافیایی - راهبردی به کشورهای حوزه شانگهای دارد. این در حالی است که آمریکا، این سازمان را مجموعه‌ای از کشورهای اقتدارگرا به حساب می‌آورد که تحت رهبری و هدایت دو قدرت اتمی چین و روسیه قرار دارند. با توجه به اهداف سازمان همکاری شانگهای می‌توان گفت که این پیمان با مطلوبیت‌های استراتژیک و دکترین نظامی ایران همخوانی دارد؛ چرا که ایران نیز همواره بر احترام به حق حاکمیت کشورها و تقویت همکاری‌های اقتصادی، استراتژیک و امنیتی تاکید کرده و به مشارکت کشورهای منطقه در گسترش امنیت منطقه‌ای اعتقاد دارد و عضویت کامل ایران در این سازمان به معنای تکمیل یک جبهه جدید سیاسی - امنیتی در منطقه است و می‌تواند موجب گسترش حوزه‌های فعالیت این سازمان را فراهم آورد و در عین حال، موقعیت ژئوپلیتیک ایران نیز می‌تواند این سازمان حلقه واسط بین آسیای مرکزی و اروپا قرار دهد. بر این اساس پیوستن کامل ایران به این سازمان، بی شک گرایش‌ها و اهداف ضد غربی این سازمان را افزایش داده است. کارشناسان همواره از دو مثلث اتحاد با عناوین ایران- چین- روسیه و یا ایران- هند- روسیه در کنار اتحاد سه گانه چین- هند- روسیه نام برده‌اند و چنین اتحادها و ائتلاف‌هایی را در حقیقت سدی در مقابل سیاست‌های تک محوره ایالات متحده در منطقه آسیا و در سطحی فراتر در کل نظام بین‌الملل به منظور برهم زدن نظم مورد نظر آمریکا قلمداد می‌کنند با عنایت به اینکه ایران و سازمان همکاری شانگهای از سیاست‌های توسعه طلبانه و مداخله جویانه آمریکا در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی احساس نارضایتی دارند و به دنبال این هستند که خودشان امنیت منطقه را تامین کنند، یک امر کاملاً مشخص است و آن اینکه درحالی ایران به سوی همگرایی امنیتی با روسیه و چین پیش می‌رود که به نظر می‌رسد قدرت آمریکا در خلیج فارس و آسیای مرکزی کاهش خواهد یافت. پیوستن به سازمان همکاری شانگهای منادی حرکت فکری و روانی ایران به سمت شرق بوده و تحولات ساختاری مهم در اقتصاد جهانی ظرف ۲۰ سال گذشته و نیاز ایران به سازگاری خود با این تحولات، این امر را تصدیق می‌کند. همین گردآمدن کشورهای با پس زمینه‌های متعارض با آمریکا و البته پذیرش عضویت کشوری مانند ایران -که آمریکا در پی انزوای آن است- باعث شده تا چشم انداز این سازمان از نظر عده‌ای از صاحب نظران چالش‌برانگیز و قابل توجه باشد. پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای که بر مبارزه با تروریسم،



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عضویت به کاهش فشارهای هژمونیک غرب کمک کرده و امکان بهره‌برداری از روابط چندجانبه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای ایران تسهیل نموده است. با این وجود، محدودیت‌های ساختاری سازمان همکاری شانگهای، از جمله تصمیم‌گیری غیرالزام‌آور و نبود انسجام راهبردی میان اعضا، به همراه رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ابهام در مکانیزم‌های اجرایی، همچنان چالش‌های جدی پیش روی ایران در بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های این سازمان به شمار می‌آید. بنابراین، برای تحقق کامل منافع امنیتی ناشی از عضویت در سازمان همکاری شانگهای، جمهوری اسلامی ایران نیازمند اتخاذ راهبردی هوشمندانه و فعال در تعاملات چندجانبه است که همسو با تحولات نظم جهانی باشد.

منابع

- باربر، بنیامین. (۱۳۸۴). سیاست نومحافظه‌کاران در برابر تروریسم (ترجمه گروه نویسندگان) *ماهنامه نگاه*، ۳۵.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۵). تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه‌های منازعه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.
- آدمی، علی، و برزگر، کیهان. (۱۳۸۹). تحلیلی راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر نگاه به شرق و سازمان همکاری شانگهای). *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۳، ۹.
- جعفری، علی‌اکبر، و بکوردی ورزقانی، حسین. (۱۴۰۰). نومحافظه‌کاری و سیاست خارجی یک‌جانبه‌گرای آمریکا (چاپ دهم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۳). *ایران و خاورمیانه: گفتارهایی در سیاست خارجی ایران*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین. (۱۳۹۹). طرح خاورمیانه بزرگ. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۷، ۲۵.
- شفیعی، نوذر، و کمائی‌زاده، یونس. (۱۳۸۹). تبیین روابط چین و آمریکا در برابر سازمان همکاری شانگهای. *مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره سوم (پاییز و زمستان)*.
- شفیعی، نوذر، و فرجی نصیری، شهریار. (۱۳۸۷). تقابل سازمان همکاری شانگهای و ناتو در آسیای مرکزی. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۶۴.
- شولتز، ریچارد، گادسون، روی، و کوئیستر، جورج (۱۳۹۴). *رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی* (ترجمه سید محمدعلی متقی‌نژاد، چاپ سوم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طالبی‌فر، عباس، و جعفری پاسکیایی، سیاوش. (۱۳۸۷). سازمان همکاری شانگهای و موضوع عضویت جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۴۰۰). *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها* (چاپ سیزدهم). تهران: سمت.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی